



چرا بعضی‌ها سراغ طالع‌بینی می‌روند؟

طالع‌بینی را می‌توان راه‌فرار مناسب برای افرادی دانست که می‌خواهند به هر نحوی شده از تصمیم‌گیری شانه خالی کنند

مشکلات فردی و اجتماعی انسان زیاد شده به همان نسبت هم از میزان صبر و وقت او کم شده است و می‌خواهد به هر نحوی که شده راه‌حلی برای مشکلاتش بیابد. اما چرا آدم‌ها طالع‌بینی را دوست دارند؟

۱ از دیدگاه روان‌شناسی طالع‌بینی جاذبه‌ای بسیار قوی به شمار می‌رود، زیرا در باره شخصیت و طبیعت افراد بحث می‌کند، بنابراین به موضوع جالبی برای سرگرمی افراد تبدیل می‌شود.

۲ طالع‌بینی را می‌توان راه‌فرار مناسب برای افرادی دانست که می‌خواهند به هر نحوی شده از تصمیم‌گیری شانه خالی و از طالع‌بینی به عنوان کمکی برای تصمیم‌گیری استفاده

یکی از علل رواج طالع‌بینی و فال‌گیری در عصر حاضر این است که انسان امروزی نسبت به انسان‌های دوران گذشته تنبل‌تر شده است. یکی دیگر از این علل، احساس تنهایی است که

گریبان قسمت عمده‌ای از مردم روی زمین را گرفته و یکی دیگر از این عوامل تلقین است. تنهایی، ناراحتی خیال، توانایی نداشتن در ایجاد رابطه با دیگران، نیاز به پیشرفت و موفقیت در کار، حل مسائل عشقی، عاطفی و زناشویی باعث می‌شود متأسفانه گاهی افراد تحصیل کرده و روشنفکر هم تحت القابات دیگران دست به دامان این مسائل شوند و نداشتن قدرت و توانایی خود را برای حل مشکلات به این صورت ابراز دارند. در واقع به همان نسبت که



حسین حائریان

فقط دو روز مانده بود تا تولد بهترین دوستم... فکر و ذکر م شده بود انتخاب هدیه برای او... می‌دانستم دلش اسیر یک جعبه مداد رنگی بیست و چهار تایی ست چون بارها در باره اش با من حرف زده بود اما من فقط هشت سالم بود... پول توجیبی‌هایم کفاف این هدیه را نمی‌داد... فقط یک راه داشتم، این که به سراغ قلکم بروم... قلکی که چند ماه امانت دار پول توجیبی‌هایم شده بود تا بتوانم اسکیت بخرم... اما من می‌خواستم دوستم را به آرزویش برسانم. قلکم را بالا بردم و به زمین کوبیدم؛ آرزوی خودم را شکاندم... می‌دانستم وقتی هدیه من را باز کند خوشحال‌ترین آدم دنیا می‌شود ولی آن قدر هدیه خوب برایش آورده بودند که اصلا هدیه من به چشمش نیامد... حتی یک تشکر هم نکرد... من برای خوشحال کردنش از آرزوی خودم گذشته بودم؛ همه پس اندازی را که مدت‌ها برایش از خواسته‌هایم زده بودم خرج برآورده شدن آرزوی او کرده بودم اما او هرگز نفهمید. من ماندم و یک قلک شکسته خالی...

حالا بعد از این همه سال به این فکر می‌کنم که آدم‌ها هر کدام قلک‌هایی دارند که در آن چیزهایی مهم‌تر از پول را پس انداز می‌کنند... محبت، وفاداری و عشق را ذخیره می‌کنند تا در زمان مناسب خرجش کنند... اما گاهی قلکشان را برای آدم اشتباهی می‌شکنند... کسی که چشم‌هایش به روی محبت و فداکاری و عشق آن‌ها بسته است... کاش حواسمان باشد قلکمان را برای چه کسی می‌شکنیم... قلکی که خالی شود خیلی سخت‌پر می‌شود...



کنند. در واقع آن‌ها هر تصمیمی را بهتر از بی‌تصمیمی می‌دانند و طالع‌بینی کمک می‌کند تا آن‌ها تصمیمی بگیرند حتی اگر به ضررشان باشد.

۳ بعضی افراد هر گاه با سوال گیج‌کننده‌ای مواجه می‌شوند و نمی‌توانند به طور منطقی و ساده به آن پاسخ دهند به طالع‌بینی مراجعه می‌کنند. مثلاً آیا از دواج این دو نفر حتماً موفق خواهد بود؟

آیا آغاز یک کار تجاری با موفقیت همراه خواهد بود؟ یا سولاتی از این دست که فکر می‌کنند فقط طالع‌بینی می‌تواند به آن‌ها جواب دهد.

۴ کسانی که در زمینه طالع‌بینی فعالیت می‌کنند بیشتر اوقات خود را در موقعیتی را آمیز می‌بینند. موقعیتی ویژه که با علوم غریبه در ارتباط است. آن‌ها از علایم عجیب استفاده می‌کنند، جدول‌های نجومی را به کار می‌گیرند و همواره به مراجعه‌کننده القا می‌کنند بر نیروهایی احاطه دارند که برای علم ناآشناست. این مسائل برای دیگران جاذبه دارد و آن‌ها را به خود جذب می‌کنند.

۵ از همه مهم‌تر علتی که موجب می‌شود طالع‌بینی رشد فراوانی پیدا کند در یک کلمه خلاصه می‌شود و آن «پول» است. طالع‌بینان حرفه‌ای از راه‌های گوناگون به کسب پول می‌پردازند و همان‌طور که بسیاری از رسانه‌ها و روزنامه‌ها تضمین فروش روزانه خود را مرهون ستون طالع‌بینی می‌دانند. به این ترتیب متأسفانه طالع‌بینی در دنیای امروز به تجارتی سودآور تبدیل شده است که نفرات اصلی آن راهکارهای زیادی می‌اندیشند تا بتوانند همچنان درآمد کسب کنند. این قضیه قابل انکار نیست که انسان‌های زیادی هستند که اعتقاد دارند فال و طالع آن‌ها کاملاً صحیح است. بعضی طالع‌بینی‌ها می‌گویند امروز دوست قدیمی‌تان با شما تماس می‌گیرد و برای رفع مشکل خود به کمک شما احتیاج دارد؛ آیا واقعاً در آن روز دوست قدیمی‌تان با شما تماس گرفته است؟ یا می‌گوید شما امروز عشق خود را پیدا می‌کنید؛ آیا واقعاً شما در آن روز عشق خود را پیدا کرده‌اید؟ به بیان دیگر چه تعداد از پیشگویی‌هایی که می‌شود برای شما به حقیقت می‌پیوندد و چه تعداد از آن‌ها اشتباه از آب در می‌آید؟ در واقع بسیاری از افرادی که می‌کنند پیشگویی‌های تصادف‌درست را به یاد داشته باشند و آن‌هایی را که اشتباه بوده است، فراموش کنند، اعتماد و اعتقاد به طالع‌بینی می‌تواند خطرناک و آسیب‌رسان باشد، زیرا باعث می‌شود انسان‌ها به جهان معقوله نگاه نکرده و از توانایی خود برای ساختن زندگی‌شان استفاده نکنند.

اسلام نه عالم بی‌دین می‌خواهد نه جاهل دیندار



شهید مرتضی مطهری

اگر می‌خواهیم از نایب سامانی‌ها نجات پیدا کنیم و ضربه بر پیکر اسلام وارد نشود...

اگر می‌خواهیم دین صحیح داشته باشیم، اگر می‌خواهیم از فقر رهایی یابیم، اگر می‌خواهیم از مرض نجات پیدا کنیم، اگر می‌خواهیم عدالت در میان ما حکمفرما باشد، اگر می‌خواهیم آزادی و دموکراسی داشته باشیم، اگر می‌خواهیم جامعه ما بر خلاف حال حاضر به امور اجتماعی علاقه‌مند باشد، منحصراً راهش علم است و علم. آن علمی که عمومیت داشته باشد و از راه دین به صورت یک جهاد مقدس در آید. اگر ما این جهاد مقدس را شروع نکنیم، دنیا خواهد کرد و ثمره‌اش را هم خود آن‌ها خواهند برد، یعنی دیگران خواهند آمد و ملت ما را از گرداب جهالت نجات خواهند داد و خدا می‌داند که آن وقت این کوتاهی‌ما، چه لطمه بزرگی به پیکر اسلام وارد خواهد کرد. شکی نیست که علم به تنهایی ضامن سعادت جامعه نیست. جامعه دین و ایمان لازم دارد. همان‌طوری که ایمان هم اگر مقرون به علم نباشد مفید نیست بلکه وبال است و اسلام نه عالم بی‌دین می‌خواهد، نه جاهل دیندار.

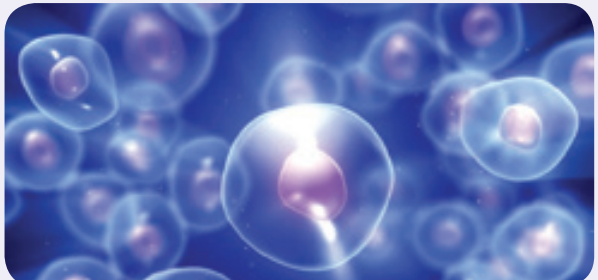
بر گرفته از کتاب «ده گفتار»، ص ۱۸۶

تجربه اهدای سلول بنیادی



گیسو قفقوری

نیمه شب روزهای اول پاییز سال ۹۲ بود که پزشک جلوی اتاق ایستاد و گفت: «مردتان کیست؟ می‌خواهم موردی را بگویم». من و خواهر پز شکم بدون توجه به حرف مسخره‌اش رفتیم تا به ما اعلام کند پدرم سرطان پیشرفته خون دارد و امید نیست. به پزشکی متخصص با این سطح از روابط اجتماعی اعتماد جایز نبود. از فردای آن روز راه افتادیم برای پیدا کردن متخصص و بیمارستان. بسیاری از متخصصان خون تهران وقتی سطح بیماری را در می‌یافتند، برای این که کارنامه‌شان خدشه‌دار نشود، قسم بقراط یادشان می‌رفت. البته ما پزشک و بیمارستان پیدا کردیم. فرصت ما کوتاه بود اما همیشه این دغدغه در ذهنم وجود داشت.



سال بعد به نظرم تعداد افرادی که هر روز خبر در گذشت‌شان به دلیل سرطان منتشر می‌شد، بیشتر و بیشتر می‌شد. در همین صفحه آخر روزنامه ستونی به نام فراخوان داشتیم. روال این بود که هنرمندی یا فرد شناخته‌شده‌ای درخواستی را مطرح می‌کرد و دیگران در باره آن فراخوان می‌دادند و حمایت می‌کردند. حبیب رضایی در یکی از روزهای آذر تماس گرفت و پیشنهاد داد هر کس علاقه‌مند است، روز پنج‌شنبه، ششم آذر ۹۳ به اعضای بانک جهانی سلول‌های بنیادی بپیوند. در آن روز پاییزی تعداد زیادی به بیمارستان شریعتی رفتند و من یکی از آن‌ها بودم. چند قطره خون و مشخصاتی که در این بانک برای آینده ثبت شد.

* اولین تطبیق

من و خیلی از ما که آن روز رفتیم، هر کدام دلایلی برای خود داشتیم. وقتی مرداد ۹۶ از مرکز شریعتی تماس گرفته شد و درخواست کردند بار دیگر برای نمونه‌برداری مراجعه کنم، خوشحال شدم. شنیده بودم مراحل کار اغلب موارد ناامیدکننده است و در واقع احتمال این که سلول‌های بنیادی دو فرد غیر خویشاوند باهم مطابق بشوند، اندک بود. تصور این بود که در مدت یکی، دو هفته نتیجه معلوم می‌شود. اما انگار برای تطبیق چندماه بیشتر طول می‌کشید. وقتی تطبیق دوم اتفاق افتاد نوبت معاینه برای دانستن سلامت عمومی بود و همان‌جا بود که بیماری پدر و کم‌خونی، زمان بررسی را بیشتر کرد. سرانجام زمان برای پنج‌روز اول اسفند گذاشته شد، من خوشحال بودم و اطرافیان نگران. ولی هر کسی که حداقل یکی، دو روز در راهروهای بیمارستان برای عزیزش به سر برده باشد، بی‌لحظه‌ای درنگ‌راضی به این همکاری است. پروسه پیوند پنج‌روز متوالی است، چهار روز داروی G-CSF برای افزایش سلول‌های بنیادی در خون محیطی تزریق می‌شود. البته از درد استخوان شب آخر تزریق نمی‌توان به‌سادگی گذشت؛ دردی ممتد اما غیر قابل مقایسه با درد بیمارانی که گاهی سال‌ها و روزها در گیرش هستند. در روز جمع‌آوری، سوزنی در هر یک از دست‌های شما قرار داده می‌شود. خون از یک دست وارد دستگاه و پس از جداسازی سلول‌های بنیادی در شرایط استریل از دست دیگر به بدن برگردانده می‌شود. پروسه‌ای چهار، پنج ساعته و تمام. حالا دیگر شما در بهتر کردن زندگی یک نفر دیگر شریک هستید.

* ای که دست می‌رسد کاری بکن

در همه جای دنیا سازمان‌های مردم‌نهاد برای گسترش این فعالیت‌ها اقدام می‌کنند. هزینه پیوند در ارزان‌ترین کشورها صد هزار دلار است در ایران تا ۱۵ میلیون هزینه از طرف دولت اهدا می‌شود. تشویق به شرکت در این بانک اهدای سلول‌ها می‌تواند کمک بزرگی باشد.

برای مردمی که قرص ماه هم در مان در دشان نیست



فاروق روحی - خانه طراحان انقلاب



مهناز یزدانی



محمدرضا ثقفی - شهرونگ

چه تلخ است سیستان و بلوچستان با آن مردم غیور و آن جغرافیای خاص را همیشه با تلخی محرومیت‌ها به یاد می‌آوریم. دیاری که این‌روزها بیشتر از هر وقتی همدلی می‌خواهد. در ادامه با چند کاریکاتور و کاریکلماتور از این روزهای سخت‌شان گفت‌ه‌ایم:

- * با گلوله همدلی به قلب غم‌هایت شلیک می‌کنم.
- * بعد از تصمیم‌های آبکی سیل مشکلات می‌آید.
- * وعده‌های خام برای گوش مردم قابل هضم نیست.
- * سکوت حرف‌های تلخی برای گفتن دارد.
- * کاش می‌شد قلب شکسته‌ات را گنج گرفت.
- * گوش‌های سنگین فریاد مظلومیت را نمی‌شنوند.
- * حتی قرص ماه هم علاج دردهای تان نیست.
- * وقتی با وعده سرگرم می‌شوی باز هم سرما می‌خوری.

سید مصطفی صابری